

بررسی بین المللی - فلسفی حقوق فطری و مدنی معلولین

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۳،
صفحات ۱۴-۱

گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه غیرانتفاعی ایوانکی، سمنان، ایران

رویا کاظم زاده

Roya.kazemzadeh79@gmail.com

چکیده

حقوق طبیعی و مدنی افراد دارای معلولیت به عنوان یکی از اقلیت های بزرگ که بالغ بر یک دهم جمعیت جهان را تشکیل می دهند ، شامل یک پارادایم اساسی از حقوق بشر است که منعکس کننده کرامت و برابری ذاتی همه افراد است. حقوق فطری و مدنی معلولین به مجموعه ای از حقوق و مزایایی اشاره دارد که به دلیل شرایط خاص این افراد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. حقوق فطری، به حقوقی اشاره دارد که به طور طبیعی و ذاتی به هر انسان تعلق دارد و شامل حق زندگی، حق آزادی، و حق برخورداری از کرامت انسانی می شود. از سوی دیگر، حقوق مدنی، به حقوقی اشاره دارد که به وسیله قوانین و مقررات اجتماعی تعیین می شوند و شامل حق آموزش، حق کار، حق دسترسی به خدمات عمومی و حق مشارکت در زندگی اجتماعی است. تحقیق در مورد حقوق فطری و مدنی معلولین نشان می دهد که این گروه از افراد با چالش های خاصی مواجه هستند که نیاز به توجه و حمایت ویژه دارد. بسیاری از کشورها به منظور تضمین حقوق معلولین، قوانین و مقررات خاصی را وضع کرده اند، اما در عمل، هنوز هم موانع زیادی وجود دارد که بر سر راه تحقق کامل این حقوق قرار دارد. این مقاله به بررسی ابعاد مختلف حقوق فطری و مدنی معلولین، و همچنین بررسی قوانین بین المللی موجود در این راستا می پردازد و اهمیت ایجاد یک جامعه فراگیر و برابر را مورد تأکید قرار می دهد.

حقوق ، مدنی ، فطری ، معلولین ، مساوات

واژگان کلیدی:

An international-philosophical study of the natural and civil rights of people with disabilities

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year ,Issue 23

Pages 1-14

Roya Kazemzadeh

Department of Law, Faculty of Humanities, Ivanki Non-Profit University, Semnan, Iran

Abstract

The natural and civil rights of persons with disabilities, as one of the largest minorities that make up more than one tenth of the world's population, comprise a fundamental paradigm of human rights that reflects the inherent dignity and equality of all individuals. The natural and civil rights of persons with disabilities refer to a set of rights and benefits that are of particular importance due to their specific circumstances. Natural rights refer to rights that are naturally and inherently inherent to every human being and include the right to life, the right to liberty, and the right to human dignity. Civil rights, on the other hand, refer to rights that are determined by social laws and regulations and include the right to education, the right to work, the right to access public services, and the right to participate in social life. Research on the natural and civil rights of persons with disabilities shows that this group of individuals faces specific challenges that require special attention and support. Many countries have enacted specific laws and regulations to guarantee the rights of persons with disabilities, but in practice, there are still many obstacles to the full realization of these rights. This article examines various aspects of the natural and civil rights of people with disabilities, as well as the existing international laws in this regard, and emphasizes the importance of creating an inclusive and equal society.

Keywords: Rights, civil, natural, disabled, equality

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

بررسی حقوق طبیعی و مدنی افراد دارای معلولیت یک حوزه مهم مطالعه است که بر اهمیت شمول، کرامت و برابری در جامعه تاکید می‌کند. حقوق طبیعی که غالباً به دلیل ارزش ذاتی زندگی انسان به عنوان حقوق جهانی توصیف می‌شود، دلالت بر این دارد که هر فردی، صرف نظر از توانایی‌ها یا ناتوانی‌های خود، به واسطه انسانیت خود از حقوق اساسی برخوردار است. از سوی دیگر، حقوق مدنی، حمایت‌های قانونی خاصی است که تضمین می‌کند افراد می‌توانند بدون تبعیض در زندگی مدنی و سیاسی جوامع خود به طور کامل مشارکت کنند. کاوش در حقوق طبیعی در رابطه با افراد دارای معلولیت همچنین مستلزم درک متقاطع بودن است - این شناخت که افراد هویت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی متعددی را به طور همزمان تجربه می‌کنند، که می‌تواند تبعیض و ضرر را ترکیب کند. فیلسوفان و فعالان تاکید می‌کنند که چارچوب حقوق طبیعی باید تجربیات متنوع افراد دارای معلولیت را در نظر بگیرد و به این نکته اذعان کند که چگونه عواملی مانند نژاد، جنسیت، و وضعیت اجتماعی-اقتصادی با معلولیت تعامل دارند. این درک رویکردی ظریف‌تر و جامع‌تر را برای دفاع از حقوقی که واقعیت‌های همه افراد را منعکس می‌کند، ترویج می‌کند. این مقاله به بررسی مبانی فلسفی حقوق طبیعی در ارتباط با افراد دارای معلولیت می‌پردازد و ادعا می‌کند که این حقوق غیرقابل انکار، جهانی و ذاتی هر انسانی است. این موضوع تکامل تاریخی قوانین حقوق مدنی را بررسی می‌کند، به ویژه با تمرکز بر چارچوب‌های قانونی کلیدی مانند قانون آمریکایی‌های دارای معلولیت (ADA) و کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD). این اثر با حمایت از اصلاحات سیاستی

جامع و افزایش آگاهی اجتماعی، خواستار یک حرکت جمعی به سمت حصول اطمینان از تحقق کامل حقوق طبیعی و مدنی افراد دارای معلولیت است و جامعه‌ای فراگیر را تقویت می‌کند که به حقوق و مشارکت همه اعضای خود احترام می‌گذارد. این کاوش نه تنها برای توانمندسازی افراد دارای معلولیت، بلکه برای غنی‌سازی بافت اجتماعی جمعی ما، ترویج فرهنگ پذیرش، احترام و برابری حیاتی است.

۱. تاریخچه

از لحاظ تاریخی، افراد دارای معلولیت با موانع قابل توجهی مواجه بوده‌اند، از انگ اجتماعی تا طرد سیستمیک. در جوامع باستانی، افراد دارای معلولیت اغلب به حاشیه رانده می‌شدند، با سوء ظن رفتار می‌کردند، یا به عنوان یک فال تلقی می‌شدند. در برخی از فرهنگ‌ها، آنها با رها شدن یا حتی نابودی مواجه می‌شدند، در حالی که در برخی دیگر، آنها می‌توانستند نقش‌ها یا موقعیت‌های خاصی را بر اساس ناتوانی‌های خود داشته باشند. در طول قرون وسطی، ناتوانی‌های از درجه مذهبی دیده می‌شد، جایی که معلولیت به عنوان یک مجازات یا آزمایش ایمان تلقی می‌شد. اما در برخی آموزه‌های دینی نیز بر دلسوزی و مراقبت از معلولان تاکید شده است. دوره روشنگری در قرن ۱۷ و ۱۸ مفاهیم حقوق طبیعی را بر اساس کرامت و برابری انسانی مطرح کرد. متفکرانی مانند جان لاک از حقوق ذاتی دفاع می‌کردند، اگرچه این بحث‌ها تا حد زیادی افراد دارای معلولیت را کنار گذاشتند. اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ شروع به وکالت از افراد دارای معلولیت بود که عمدتاً توسط خانواده‌ها و اصلاح‌طلبان اخلاقی رهبری می‌شد. آنها بر بهبود مراقبت و آموزش تمرکز کردند، اما هنوز به حقوق یا تبعیض پرداختند. جنبش حقوق مدنی در دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده سابقه‌ای برای فعالیت‌های حقوق

۲. بررسی مبانی فلسفی حقوق طبیعی در ارتباط با افراد

دارای معلولیت

حقوق طبیعی به مجموعه‌ای از حقوق اشاره دارد که به‌طور ذاتی و طبیعی به هر فرد تعلق دارد و مستقل از قوانین و مقررات اجتماعی است. این حقوق، به عنوان حقوق بشر شناخته می‌شوند و شامل حق زندگی، حق آزادی، و حق برخورداری از کرامت انسانی است. در این راستا، بررسی مبانی فلسفی حقوق طبیعی در ارتباط با افراد دارای معلولیت می‌تواند به درک بهتر از جایگاه این افراد در جامعه و حقوقی که باید به آنها تعلق گیرد، کمک کند. مبانی فلسفی حقوق طبیعی عمیقاً در مفاهیم کرامت انسانی، برابری و ارزش ذاتی هر فرد ریشه دارد. این چارچوب یک لنز حیاتی برای بررسی حقوق افراد دارای معلولیت فراهم می‌کند، زیرا بر استحقاق آنها از حقوق و آزادی‌های مشابه با افراد فاقد معلولیت تأکید می‌کند. بررسی مبانی فلسفی حقوق طبیعی در ارتباط با افراد دارای معلولیت نشان می‌دهد که این افراد باید از حقوق طبیعی خود بهره‌مند شوند و جامعه موظف است که به این حقوق احترام بگذارد. ایجاد یک جامعه فراگیر و برابر، نیازمند تغییر نگرش‌ها، قوانین و ساختارهای اجتماعی است تا افراد دارای معلولیت بتوانند به‌طور کامل و برابر در جامعه مشارکت کنند و از حقوق خود بهره‌مند شوند.

۲-۱- حقوق طبیعی

حقوق طبیعی همانطور که در چارچوب فلسفه حقوق طبیعی بیان شده است، حقوق اساسی ذاتی همه انسانها صرف نظر از شرایط یا شرایط است. برای افراد دارای معلولیت، به رسمیت شناختن و تأیید این حقوق در تضمین کرامت، استقلال و مشارکت کامل آنها در جامعه بسیار مهم است. با توجه به

معلولان ایجاد کرد. افراد ناتوان شروع به همسو کردن مبارزات خود با تلاش‌های گسترده‌تر برای حقوق مدنی کردند و از برابری حمایت کردند و انگ‌ها را به چالش کشیدند. واکز دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰ شاهد تغییرات قانونی قابل توجهی بود، از جمله ایجاد قانون توانبخشی در سال ۱۹۷۳. این قانون تبعیض بر اساس معلولیت را در برنامه‌های فدرال منع می‌کرد و یکی از اولین قوانین اساسی بود که حقوق افراد معلول ایالات متحده را تأیید کرد. دهه ۱۹۷۰ نشانگر تغییری به سمت جنبش "زندگی مستقل" بود و این ایده را ترویج کرد که افراد دارای معلولیت باید حق زندگی مستقل و انتخاب خود را داشته باشند. گروه‌های حمایت از خود پدید آمدند و بر صداهایی از درون جامعه معلولان تأکید داشتند. (فرامرز نسب، ۱۴۰۳).

این چالش‌ها جنبش‌هایی را برانگیخته است که از به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق خود حمایت می‌کنند و در چارچوب‌های قانونی محوری مانند قانون آمریکایی‌های دارای معلولیت (ADA) و کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD) به اوج خود می‌رسند. علیرغم این پیشرفت‌ها، بسیاری از افراد دارای معلولیت همچنان با طیف وسیعی از موانع مواجه می‌شوند که حقوق طبیعی و مدنی آنها را نقض می‌کند، از جمله دسترسی ناکافی به خدمات عمومی، شیوه‌های تبعیض آمیز استخدامی، و مشارکت محدود در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی. (ماريسا، ۲۰۲۳).

از رفتار و حمایت برابر برخوردار شوند. این حق تاکید می کند که افراد نباید بر اساس ناتوانی خود در زمینه هایی مانند آموزش، اشتغال، مراقبت های بهداشتی یا خدمات عمومی با تبعیض مواجه شوند. هنجارها و شیوه های اجتماعی که نابرابری را تداوم می بخشد را به چالش می کشد.

حق دسترسی و مشارکت: حقوق طبیعی شامل حق دسترسی به فضاهای عمومی و مشارکت کامل در فعالیت های اجتماعی می شود. این شامل تعهد دولت ها و سازمان ها برای اطمینان از دسترسی افراد دارای معلولیت به آموزش، حمل و نقل و اقامتگاه های عمومی بدون موانع است. فراگیری برای احقاق حقوق آنها ضروری است.

حق زندگی خانوادگی و اجتماعی: حق زندگی خانوادگی دلالت بر این دارد که افراد دارای معلولیت باید فرصت زندگی در محیط های خانوادگی و حفظ روابط شخصی را داشته باشند. این حق از به رسمیت شناختن اهمیت اجتماع و ارتباطات اجتماعی حمایت می کند که برای رفاه عاطفی و رشد شخصی حیاتی هستند.

حق تحصیل: دسترسی به آموزش یک حق اساسی بشر است که برای توسعه و توانمندسازی فردی ضروری است. افراد دارای معلولیت حق دارند از آموزش فراگیر برخوردار شوند که نیازهای آنها را برآورده کند و مشارکت کامل آنها را ارتقا دهد. این حق افراد را قادر می سازد تا دانش، مهارت و استقلال کسب کنند.

حق سلامت و تندرستی: حق طبیعی سلامت شامل دسترسی به مراقبت های پزشکی مناسب، خدمات توانبخشی و حمایت از سلامت روان است. افراد دارای معلولیت باید از بالاترین

مبانی فوق، حقوق طبیعی افراد دارای معلولیت باید شامل موارد زیر باشد:

حق زندگی و سلامت: افراد دارای معلولیت باید از حق زندگی و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند.

حق آزادی و انتخاب: این افراد باید حق انتخاب در زندگی خود و آزادی در تصمیم گیری های شخصی را داشته باشند.

حق مشارکت اجتماعی: افراد دارای معلولیت باید بتوانند به طور فعال در جامعه مشارکت کنند و از حقوق اجتماعی برابر برخوردار باشند.

حق زندگی و صداقت شخصی: هر فرد، صرف نظر از توانایی، از حق اساسی زندگی برخوردار است. این حق طبیعی تأیید می کند که افراد دارای معلولیت نه تنها باید از آسیب محافظت شوند، بلکه باید به تمامیت شخصی آنها نیز احترام گذاشته شود. این شامل حق تصمیم گیری در مورد مراقبت های بهداشتی و وضعیت زندگی خود بدون اجبار یا تبعیض است.

حق آزادی و خودمختاری: حق آزادی شامل آزادی انتخاب در مورد زندگی است. برای افراد دارای معلولیت، این شامل حق زندگی مستقل، مشارکت در روابط شخصی و مشارکت در اجتماع بدون محدودیت های ناروا می شود. حمایت از خودمختاری از خودتعیینی حمایت می کند و به افراد دارای معلولیت اجازه می دهد تا زندگی خود را هدایت کنند. (خسروی و همکاران، ۲۰۱۵).

حق برابری و عدم تبعیض: محور اصلی فلسفه حقوق طبیعی، اصل برابری است. افراد دارای معلولیت طبق قانون حق دارند

سازگاری و شامل کردن افراد دارای معلولیت است که آنها را از کار می‌اندازد. فیلسوفانی که تحت تأثیر این مدل قرار گرفته اند اظهار می‌دارند که حقوق طبیعی باید شامل تعهدی برای جامعه برای رفع موانع و ایجاد محیطی مناسب برای مشارکت کامل افراد دارای معلولیت باشد. این دیدگاه با ارتقای شمول و دسترسی CRPD همسو می‌شود و این موضوع را تقویت می‌کند که ساختارهای اجتماعی باید به جای جلوگیری از افراد دارای معلولیت، حمایت کنند.

مبانی فلسفی حقوق طبیعی به فلسفه‌های مختلفی برمی‌گردد، از جمله:

فلسفه ارسطو: ارسطو به طبیعت انسانی و ویژگی‌های ذاتی آن تأکید می‌کند. او بر این باور است که انسان‌ها به‌طور طبیعی به دنبال خیر و سعادت هستند. این دیدگاه می‌تواند به حقوق افراد دارای معلولیت کمک کند تا به‌عنوان بخشی از جامعه انسانی، از حقوق طبیعی خود بهره‌مند شوند. (ماشینیچی و همکاران، ۱۴۰۳).

فلسفه جان لاک: لاک بر این باور است که هر فرد دارای حقوق طبیعی است که شامل حق زندگی، آزادی و مالکیت می‌شود. این حقوق باید به‌طور برابر به همه افراد، از جمله افراد دارای معلولیت، تعلق گیرد. لاک تأکید می‌کند که دولت‌ها موظف به حفاظت از این حقوق هستند.

فلسفه کانت: کانت بر کرامت انسانی تأکید دارد و معتقد است که هر فرد باید به‌عنوان هدفی در خود دیده شود و نه به‌عنوان وسیله‌ای برای اهداف دیگر. این مفهوم به‌ویژه در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت اهمیت دارد، زیرا باید به آنها به‌عنوان افرادی با کرامت و ارزش ذاتی توجه شود. (مقاله آرشیو، ۲۰۱۷).

بررسی دیدگاه‌های مختلف فلسفی در مورد حیثیت و ارزش ذاتی افراد دارای معلولیت می‌تواند بینش‌های مهمی را در مورد نحوه نگرش و رفتار جامعه با افراد دارای معلولیت ارائه دهد. در اینجا مروری بر برخی چارچوب‌های فلسفی کلیدی و پیامدهای آنها آورده شده است:

استانداردهای سلامت بدون تبعیض برخوردار شوند. این حق برای تضمین رفاه کلی و کیفیت زندگی آنها ضروری است. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۷).

حق بیان و مشارکت در تصمیم‌گیری: افراد دارای معلولیت حق دارند نظرات خود را بیان کنند و در تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد مشارکت داشته باشند. این حق بر اهمیت مشارکت افراد دارای معلولیت در فرآیندهای سیاست‌گذاری، تلاش‌های حمایتی و برنامه‌ریزی جامعه برای اطمینان از شنیده شدن صدای آنها تأکید می‌کند.

۱-۳- مبانی فلسفی

مفهوم حقوق طبیعی در دوران روشنگری ظهور کرد و متفکرانی مانند جان لاک، توماس هابز و ژان ژاک روسو این ایده را بیان کردند که برخی حقوق ذاتی و غیرقابل انکار هستند و به موجب انسانیت فرد به جای حکم اجتماعی یا حکومتی اعطا می‌شوند. لاک به‌طور خاص بر زندگی، آزادی و مالکیت به‌عنوان حقوق اساسی که همه افراد از آن برخوردار هستند تأکید کرد. همانطور که این مفهوم توسعه یافت، زمینه را برای گفتمان مدرن حقوق بشر فراهم کرد و این ایده را تقویت کرد که همه افراد، صرف‌نظر از توانایی، صرفاً به واسطه انسان بودن، مستحق حقوق اساسی هستند. در قلب فلسفه حقوق طبیعی، اصل کرامت انسانی قرار دارد. فیلسوفانی مانند امانوئل کانت از این موضوع دفاع می‌کردند که هر فردی دارای ارزش ذاتی است و باید با او به‌عنوان یک هدف به‌خودی خود به جای وسیله‌ای برای رسیدن به هدف تلقی شود. این دیدگاه به‌ویژه در بحث‌های مربوط به افراد دارای معلولیت مرتبط است، زیرا جامعه را وادار می‌کند تا حیثیت و ارزش آن‌ها را بشناسد و ادراکات تبعیض‌آمیز را که از لحاظ تاریخی آنها را به حاشیه رانده است، به چالش بکشد. مدل اجتماعی ناتوانی اساساً درک ناتوانی را از نقص فردی به ساختار اجتماعی تغییر می‌دهد. این مدل استدلال می‌کند که این شکست جامعه در

طبق اصل جهان‌شمول‌پذیری - عمل فقط بر اساس اصولی که می‌توانند به طور جهانی به کار روند - جامعه را ملزم به توسعه شیوه‌های فراگیر می‌کند که به حقوق افراد دارای معلولیت احترام می‌گذارد. (فانزیکا، ۲۰۲۲).

۳- اخلاق فضیلتی

اخلاق فضیلتی که ریشه در فلسفه ارسطو دارد، اخلاق فضیلت بر رشد صفات شخصیتی خوب (فضیلت‌ها) و دستیابی به شکوفایی انسانی (*eudaimonia*) تمرکز دارد. اخلاق فضیلت بر اهمیت اجتماع و روابط تأکید دارد. این سازمان از محیط‌هایی حمایت می‌کند که از شکوفایی همه افراد، از جمله افراد دارای معلولیت حمایت می‌کند. این چارچوب پرورش فضایل مانند همدلی، شفقت و عدالت را تشویق می‌کند که برای درک و ارتقای زندگی افراد دارای معلولیت ضروری است. جامعه فراگیر جامعه‌ای است که به همه افراد، صرف نظر از توانایی‌هایشان، کمک می‌کند تا به پتانسیل خود دست یابند و به جوامع خود کمک کنند. (نیازی و همکاران، ۲۰۲۳).

۴- مدل اجتماعی معلولیت

اگرچه یک نظریه فلسفی سنتی نیست، اما مدل اجتماعی ناتوانی تمرکز را از آسیب‌های فردی به موانع اجتماعی که مانع مشارکت و برابری می‌شوند تغییر می‌دهد. این مدل ادعا می‌کند که ناتوانی توسط عوامل اجتماعی-فرهنگی و محیطی ایجاد می‌شود، نه فقط به دلیل آسیب‌های جسمی یا ذهنی. از نظر فلسفی، انتقادی از ساختارهای اجتماعی که افراد دارای معلولیت را به حاشیه می‌برند، دعوت می‌کند. بر اساس این مدل، کرامت با عدالت اجتماعی و رفع موانع مرتبط است و تأکید می‌کند که ارزش ذاتی با اعمال و نگرش‌های تبعیض آمیز تضعیف می‌شود. (بل، ۲۰۱۴).

۱- فایده‌گرایی : فایده‌گرایی، که توسط فیلسوفانی مانند جرمی بنتام و جان استوارت میل پایه‌گذاری شد، یک نظریه اخلاقی است که از اعمالی حمایت می‌کند که شادی یا فایده کلی را به حداکثر می‌رساند. فایده‌گرایی اخلاقی بودن اعمال را بر اساس نتایج آنها ارزیابی می‌کند. این رویکرد می‌تواند منجر به پیامدهای مشکل‌ساز برای افراد دارای معلولیت شود، اگر نیازها یا رفاه آنها تأثیر کمتری بر شادی کلی داشته باشد. اگر جامعه اقداماتی را اولویت دهد که شادی را برای اکثریت به حداکثر می‌رساند، افراد دارای معلولیت ممکن است به حاشیه رانده شوند یا به دلیل هزینه‌های درک شده مرتبط با مراقبت یا ادغام آن‌ها به حاشیه رانده شوند یا کمتر شایسته تلقی شوند. (د. گان، ۲۰۱۴).

با این حال، یک دیدگاه سودگرایانه‌تر می‌تواند از سیاست‌هایی حمایت کند که بر حمایت اجتماعی و شمولیت تأکید دارند، و در نهایت منجر به شادی بیشتر برای همه، از جمله افراد دارای معلولیت می‌شود.

۲- اخلاق کانتی

اخلاق کانتی که توسط امانوئل کانت توسعه یافته است، بر وظیفه، قوانین اخلاقی و کرامت ذاتی افراد تأکید دارد. این فرض می‌کند که مردم باید به عنوان هدف در خودشان رفتار شوند، نه صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف. دستور قاطع کانت از این دیدگاه حمایت می‌کند که همه افراد، صرف نظر از توانایی‌هایشان، دارای ارزش و منزلت ذاتی هستند. این دیدگاه هرگونه تبعیض یا کاهش ارزش بر اساس معلولیت را ممنوع می‌کند. طبق اخلاق کانتی، جامعه موظف است اطمینان حاصل کند که با افراد معلول با احترام رفتار می‌شود و از حمایت‌های لازم برای خودمختاری و مشارکت در جامعه برخوردار می‌شود.

مستلزم مسئولیت جمعی برای تقویت دسترسی، سیستم های پشتیبانی و سیاست های فراگیر است که ارزش ذاتی هر فرد را تقویت می کند.

۵- اخلاق فمینیستی

اخلاق فمینیستی به دنبال رسیدگی به نابرابری های جنسیتی و برجسته کردن اهمیت اخلاقی روابط و مراقبت است. این دیدگاه با تجارب افراد دارای معلولیت همسو می شود و به پیوستگی ظلم و ستم اذعان می کند و از عدالت اجتماعی گسترده تر حمایت می کند. برای اخلاق مراقبت ارزش قائل است و این ایده را ترویج می کند که مراقبت از افراد دارای معلولیت یک الزام اخلاقی و ضروری برای رفاه جامعه است. اخلاق فمینیستی استانداردهای هنجاری توانایی و شایستگی را به چالش می کشد و از درک وسیع تری از ارزش که شامل تجربیات و ظرفیت های متنوع است، دفاع می کند. (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

۴- بررسی قوانین ایران

جمهوری اسلامی ایران قوانین مختلفی را در خصوص حقوق افراد دارای معلولیت وضع کرده است. در چند دهه گذشته، تلاش هایی برای بهبود حمایت های قانونی و ارتقای شمول اجتماعی صورت گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ اصول عدالت، برابری و کرامت انسانی را برای همه شهروندان از جمله افراد دارای معلولیت حفظ می کند. ماده ۲۱ به صراحت بر حقوق زنان تأکید می کند و به طور گسترده از مفهوم حقوق برای گروه های به حاشیه رانده شده از جمله افراد دارای معلولیت حمایت می کند. قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت (۱۳۸۳) این قانون گامی مهم در به رسمیت شناختن حقوق افراد دارای معلولیت در ایران است. هدف آن تضمین دسترسی به آموزش، مراقبت

های بهداشتی، اشتغال و خدمات عمومی است. همچنین ارائه حمایت ها و خدمات لازم برای تسهیل ادغام افراد دارای معلولیت در جامعه را الزامی می کند. ایران کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت را در سال ۲۰۰۹ تصویب کرد. در حالی که این تصویب یک تصدیق مهم حقوق افراد دارای معلولیت است، اجرای عملی مفاد آن همچنان یک چالش است. (کلدی، ۱۳۷۹).

همچنین قانون ایران بر لزوم دسترسی در فضاها و خدمات عمومی تأکید دارد. با وجود این، همانطور که قابل مشاهده است، بسیاری از مناطق شهری هنوز فاقد زیرساخت های لازم برای حمایت از افراد با چالش های حرکتی هستند.

از نظر حقوق مدنی در ایران افراد دارای معلولیت حق دارند در تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیر می گذارد شرکت کنند و از حقوق خود دفاع کنند. با این حال، موانع اجتماعی و سیستمی می تواند مانع مشارکت و نمایندگی فعال در عرصه های عمومی و سیاسی شود. سازمان های مدافع برای افزایش آگاهی در مورد حقوق و نیازهای افراد دارای معلولیت در ایران تلاش می کنند. علیرغم حمایت های قانونی، ننگ اجتماعی و عدم درک می تواند مانع از به رسمیت شناختن کامل حقوق مدنی آنها شود.

۵- بررسی قوانین بین الملل

اماکن عمومی تازه ساخته شده یا تغییر یافته - مانند هتل ها، رستوران ها و فروشگاه های خرده فروشی- باید برای افراد دارای معلولیت قابل دسترسی باشند. علاوه بر این، امکانات موجود برای رفع موانع دسترسی در صورت امکان مورد نیاز است. فصل ارتباطات راه دور از شرکت های مخابراتی می خواهد که خدمات قابل دسترسی برای افراد دارای ناتوانی شنوایی و گفتار را ارائه دهند و روش های ارتباطی مؤثری مانند خدمات رله را ترویج کنند. مقررات متفرقه (عنوان پنجم) شامل مقررات مختلفی است که از افراد دارای معلولیت در برابر انتقام جویی محافظت می کند و رفتار قهری علیه افرادی را که حقوق خود را تحت ADA مطرح می کنند، ممنوع می کند. (جلالیان، ۱۴۰۰).

ADA تأثیر عمیقی بر جامعه آمریکا داشته است. این امر آگاهی عمومی را در مورد حقوق افراد دارای معلولیت افزایش داد و به بهبود قابل توجهی در دسترسی و شمول در بخش های مختلف کمک کرد. این عمل باعث ایجاد تغییراتی در استانداردهای معماری، سیاست های محل کار، شیوه های آموزشی و درک کلی از معلولیت در جامعه شده است. با وجود این پیشرفت ها، چالش ها همچنان باقی است. بسیاری از افراد دارای معلولیت به دلیل عدم اجرا، خلأهای موجود در قانون و انگ های اجتماعی مداوم همچنان با موانعی روبرو هستند. سازمان های مدافع به تلاش برای حمایت ها و اصلاحات بیشتر برای بهبود اثربخشی ADA ادامه می دهند.

۵-۱- قانون آمریکایی های دارای معلولیت (ADA)^۱
قانون آمریکایی های دارای معلولیت نشان دهنده گامی حیاتی در جهت دستیابی به برابری برای افراد دارای معلولیت در ایالات متحده است. همانطور که جامعه در حال تکامل است، تلاش های مداوم برای حمایت و تقویت حمایت های ایجاد شده توسط ADA ضروری است تا اطمینان حاصل شود که همه افراد فرصت زندگی، کار و مشارکت کامل در جامعه را دارند. قانون آمریکایی های دارای معلولیت که در سال ۱۹۹۰ تصویب شد، یک قانون برجسته حقوق مدنی در ایالات متحده است که تبعیض بر اساس معلولیت را ممنوع می کند. اهمیت آن در رویکرد جامع آن برای حصول اطمینان از دسترسی برابر افراد دارای معلولیت به تمام زمینه های زندگی عمومی از جمله اشتغال، حمل و نقل، اقامتگاه های عمومی و ارتباطات است. این قانون دستور می دهد که کارفرمایان با ۱۵ کارمند یا بیشتر باید فرصت های شغلی برابر را برای افراد واجد شرایط دارای معلولیت فراهم کنند. این شامل منع تبعیض در استخدام، ترفیع و اخراج، و همچنین نیاز به تسهیلات معقول برای توانمندسازی کارکنان برای انجام وظایف شغلی خود است. (روبرت، ۲۰۱۴). فصل دوم این قانون با عنوان انجام خدمات عمومی، این عنوان تبعیض علیه افراد دارای معلولیت را در تمامی برنامه ها، فعالیت ها و خدمات ارائه شده توسط دولت های ایالتی و محلی ممنوع می کند. این تضمین می کند که حمل و نقل عمومی، برنامه های آموزشی و سایر خدمات دولتی برای افراد دارای معلولیت قابل دسترسی است. فصل سوم با عنوان محل اقامت عمومی مقرر می دارد که تمام

¹ Americans with Disabilities Act

۲-۵- کنوانسیون سازمان ملل متحد (CRPD)^۱

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت یک معاهده بین‌المللی حقوق بشر سازمان ملل متحد است که هدف آن حمایت از حقوق و حیثیت افراد دارای معلولیت است. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت یک معاهده بین‌المللی اساسی حقوق بشر است که در دسامبر ۲۰۰۶ به تصویب رسید و در مه ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد. هدف آن حمایت و ارتقای حقوق و منزلت افراد دارای معلولیت در سطح جهانی است. CRPD تغییر قابل توجهی را در نحوه نگرش به ناتوانی‌ها نشان می‌دهد، که از یک مدل پزشکی به یک مدل اجتماعی که بر نقش جامعه در توانمندسازی یا ناتوان کردن افراد تأکید می‌کند، حرکت می‌کند. این کنوانسیون به عنوان یک کاتالیزور اصلی در جنبش جهانی حقوق معلولان عمل می‌کند و امکان تغییر از تلقی افراد دارای معلولیت به عنوان هدف خیریه، درمان پزشکی و حمایت اجتماعی به سمت تلقی آنها به عنوان اعضای کامل و برابر جامعه با حقوق بشر را فراهم می‌کند.

CRPD به دنبال تضمین این است که افراد دارای معلولیت می‌توانند از تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر مبنای برابر با دیگران برخوردار شوند. تنوع معلولیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد و رویکردی فراگیر به حقوق بشر را ترویج می‌کند. این کنوانسیون بر اهمیت دسترسی در تمام جنبه‌های زندگی از جمله ساختمان‌ها، حمل و نقل و اطلاعات تأکید می‌کند.

از دولت‌ها خواسته می‌شود تا اقدامات مناسب را برای اطمینان از دسترسی و رفع موانعی که مانع مشارکت کامل می‌شوند، انجام دهند. (موسوی، ۱۳۹۶).

CRPD صراحتاً تبعیض علیه افراد دارای معلولیت را در همه زمینه‌ها از جمله شغل، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی ممنوع می‌کند. خواستار تصویب قوانین و سیاست‌های حمایتی برای ترویج برابری است. کنوانسیون از مشارکت فعال افراد دارای معلولیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد حمایت می‌کند. مشارکت آنها در زندگی سیاسی، اجتماعی و اجتماعی را تشویق می‌کند. این کنوانسیون سیستم‌های آموزش فراگیر را در همه سطوح ترویج می‌کند و بر حق کار بر مبنای برابر با دیگران تأکید می‌کند. این امر بر نیاز به تسهیلات معقول در محیط‌های آموزشی و کاری تأکید می‌کند.

کنوانسیون حق افراد دارای معلولیت را برای داشتن بالاترین استانداردهای بهداشتی قابل دستیابی به رسمیت می‌شناسد. خواستار ارائه خدمات بهداشتی مناسب و امکانات توانبخشی است.

CRPD یک کمیته حقوق افراد دارای معلولیت متشکل از کارشناسان مستقل ایجاد می‌کند تا بر اجرای کنوانسیون توسط کشورهای امضاکننده آن نظارت کند. کشورهایی که CRPD را تصویب می‌کنند، ملزم به ارائه گزارش‌های دوره‌ای با جزئیات پیشرفت خود در اجرای تعهدات معاهده هستند.

¹ Convention on the Rights of Persons with Disabilities

دسترسی به آموزش، مسکن و پشتیبانی فراهم کنند. (جلالین ، ۱۴۰۰).

همچنین این قانون الزامات مربوط به فناوری اطلاعات و الکترونیکی را که توسط دولت فدرال توسعه، نگهداری، تهیه یا استفاده می شود، تعیین می کند.

۶- بررسی جنبش حقوق معلولین

جنبش حقوق معلولان یک جنبش اجتماعی مهم است که از حقوق و شمول افراد دارای معلولیت حمایت می کند. این جنبش در اواسط قرن بیستم، تحت تأثیر سایر جنبش های حقوق مدنی ظهور کرد و به طور قابل توجهی سیاست، نگرش و دسترسی افراد معلول را شکل داد. ریشه های این جنبش را می توان به حمایت اولیه از افراد دارای معلولیت، با سازمان هایی مانند فدراسیون ملی نابینایان (تاسیس شده در سال ۱۹۴۰) و جنبش والدین در دهه ۱۹۵۰ ردیابی کرد. این گروه ها زمینه را برای فعالیت های بعدی فراهم کردند. جنبش حقوق معلولین از مؤسسات فعال در زمینه معلولیت، که از آنان به «مدافعین معلولیت» نیز یاد می شوند، ساخته شده که روی مواردی همچون دسترسی پذیری و ایمنی در معماری، حمل و نقل و محیط فیزیکی؛ فرصت های یکسان در زندگی مستقل، مساوات در اشتغال، تحصیل و مسکن؛ و رهایی از تبعیض، آزار و اذیت، نادیده گرفتن و موارد دیگر نقض حقوق در سراسر جهان کار می کنند. جنبش حقوق معلولان به رسمیت می شناسد که افراد دارای معلولیت هویت های متنوعی دارند (نژاد، جنسیت، گرایش جنسی و غیره) که

به طور کلی CRPD تأثیر دگرگون کننده ای بر چشم انداز جهانی حقوق معلولان داشته است. این الهام بخش قوانین، سیاست ها و ابتکارات ملی با هدف بهبود حقوق و رفاه افراد دارای معلولیت در بسیاری از کشورها بوده است. CRPD در نظر گرفتن معلولیت به عنوان یک موضوع حقوق بشر و نه صرفاً یک موضوع خیریه یا نیازهای پزشکی، به مدافعان و سازمان ها قدرت داده است که خواستار برابری و شمول باشند. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت به عنوان چارچوبی حیاتی برای ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت در سراسر جهان عمل می کند. CRPD با ترویج فرهنگ شمول، دسترسی و برابری، نقشی حیاتی در پیشبرد حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد دارای معلولیت ایفا می کند و تضمین می کند که آنها به عنوان مشارکت کنندگان کامل در جامعه شناخته می شوند.

۳-۵- قانون توانبخشی (۱۹۷۳)^۱

این قانون مهم تبعیض علیه افراد دارای معلولیت را در برنامه های دریافت کمک فدرال ممنوع می کند. این شامل مدارس، بیمارستان ها، سازمان های دولتی و سایر نهادها می شود. نهادهای تحت پوشش بخش ۵۰۴ ملزم به ایجاد تسهیلات معقول برای کارمندان و شرکت کنندگان برنامه دارای معلولیت هستند. این شامل دسترسی به امکانات و ایجاد اصلاحات لازم در سیاست ها و شیوه ها می شود. در بخش آموزش، بند ۵۰۴ در پیشبرد حقوق دانش آموزان دارای معلولیت مؤثر بوده است. مدارس موظفند برای اطمینان از

¹ Rehabilitation Act of 1973

بین‌المللی، مانند کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، به ترویج و حمایت از حقوق معلولین کمک می‌کنند و دولت‌ها را موظف به اجرای این حقوق می‌نمایند.

با تأیید و حمایت از این حقوق طبیعی، ما می‌توانیم به سمت جامعه‌ای عادلانه‌تر و عادلانه‌تر تلاش کنیم که در آن همه افراد، صرف‌نظر از توانایی، بتوانند رشد کنند و به طور معناداری به جوامع خود کمک کنند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

فارسی

- جلالین عسکر. کنکاشی از منظر هنجارهای اخلاقی بر تضمین‌های حمایت از معلولان در کنوانسیون حقوق معلولان و حقوق ایران. اخلاق پزشکی [Internet]. 1400؛ ۱۵(۴۶): ۰-۰. Available from: <https://sid.ir/paper/1018787/fa>
- رضا فرامرزنسب، علی تقی زاده، لیلا علیزاده، و زهرا احمدی. ۱۴۰۳. «جریان‌های فکری و فلسفی و کلام اسلامی».
- علی اصغر ماشینچی، و محمدرضا اسلامی شعبه‌ره. ۱۴۰۳. «دیدگاه‌های تربیتی مکتب‌های فلسفی».

تلاقی می‌کند و بر تجربیات آنها تأثیر می‌گذارد. این آگاهی منجر به تلاش‌های مشترک با دیگر جنبش‌های عدالت اجتماعی شده است. (پق، ۲۰۱۹).

نتیجه‌گیری

معلولین به عنوان گروهی آسیب‌پذیر در جامعه نیازمند توجه ویژه به حقوق خود هستند. این حقوق شامل حق برابری، حق دسترسی به امکانات عمومی، حق آموزش، و حق مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی می‌باشد. حقوق معلولین پیچیده‌است زیرا این حقوق در بسترهای مختلف اجتماعی-سیاسی، فرهنگی و حقوقی از راه‌های متعددی می‌تواند نقض شود. حقوق طبیعی افراد دارای معلولیت بر اهمیت به رسمیت شناختن کرامت و انسانیت ذاتی آنها تأکید می‌کند. این حقوق نیاز به تعهد اجتماعی به فراگیری و برابری را برجسته می‌کند، و انگ‌های سنتی و موانع ساختاری را که مانع مشارکت کامل افراد دارای معلولیت می‌شود، به چالش می‌کشد. مبانی فلسفی حقوق طبیعی، چارچوبی قوی برای بررسی حقوق افراد دارای معلولیت فراهم می‌کند. بررسی فلسفی حقوق فطری معلولین نشان می‌دهد که این حقوق باید به عنوان بخشی از حقوق بشر جهانی شناخته شوند. این امر مستلزم تغییر در نگرش‌ها و سیاست‌های اجتماعی به سمت احترام به کرامت انسانی و شمولیت است. این تحقیق فلسفی با تأکید بر کرامت ذاتی همه افراد، تأکید بر برابری و شناخت ساختارهای اجتماعی پیرامون ناتوانی، تبعیض را به چالش می‌کشد و از جامعه‌ای فراگیرتر و عادلانه‌تر دفاع می‌کند. این کاوش نه تنها پارادایم‌های حقوق بشر موجود را تقویت می‌کند، بلکه خواستار تأمل و اقدام مداوم برای اطمینان از اینکه حقوق افراد دارای معلولیت به طور کامل در عمل به رسمیت شناخته شده و محافظت می‌شود، می‌شود. همچنین اسناد و کنوانسیون‌های

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد. (۱۳۸۷). تحول گفتمانی: حق ها و آزادی های معلولان در آینه حقوق بشر. پژوهش های حقوقی، (۱۳)، ۰-۰. SID. <https://sid.ir/paper/479295/fa>
- قانون اصلاحات ADA 2008
- قانون آمریکایی های معلول ۱۹۹۰
- قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴
- قانون حمایت از حقوق معلولان، ۱۳۹۷
- کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳
- کلدی، علیرضا. بررسی نگرش مردم نسبت به معلولین. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۹؛ (۱۱.۱۲): ۱۷۵-۲۰۱.
- موسوی، عاطفه. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی حقوق اجتماعی معلولان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی. کنفرانس پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی. SID. <https://sid.ir/paper/895787/fa>

۲. غیرفارسی

- Bell, Beverly (5 August 2014). "The Global Disability Rights Movement: Winning Power, Participation, and Access". Huffington Post. Retrieved 18 October 2017.
- D. Gene WitmerFrank Jackson , 2000 , From Metaphysics to Ethics: A Defence of Conceptual Analysis
- Disability Law and Human Rights: Theory and Policy, edited by Franziska Felder, Laura Davy, & Rosemary Kayess, 2022, Palgrave Macmillan Cham, EUR 119.99 (Hardcover), EUR 119.99 (Softcover), EUR 96.29 (eBook), ISBN 978-3-030-86544-3 ISBN 978-3-030-86545-0 (eBook) <https://doi.org/10.1007/978-3030-86545-0>
- International Disability Rights". Disability Rights Education & Defense Fund. Archived from the original on 26 March 2023. Retrieved 18 October 2017.
- Khosravi-Tapeh N, Raheb G, A'rshi M, Eglima M. The Relationship Evaluation between Physical Disabled's Social Support and Life Quality in Raad's Education Centers. jrehab 2015; 16 (2) :176-185 URL: <http://rehabilitationj.uswr.ac.ir/article-1-1524-fa.html>
- Marisa Wright , A SHARED STRUGGLE FOR EQUALITY Disability Rights and Racial Justice
- Niazi M, Farhadian A, Khodakarmian Gilan N, Omidvar A. The Rights of Disabled People in Iran: A Meta-synthesis Study. jrehab 2023; 24 (1) :56-75 URL: <http://rehabilitationj.uswr.ac.ir/article-1-2948-fa.html>
- Paré, Mona. 2019. "The Convention on the Rights of Persons with Disabilities: Its Contribution to the Development of International Human Rights Law." Revista ESMAT 11 (17): 209–230. <https://doi.org/10.34060/reesmat.v11i17.292>.
- Robert Nozick , 2014 , Philosophical Explanations
- Soleymani, Eissa and Davoodi, Lotfollah and Azami, Davood,1395,The Prevalence of Intestinal Parasitic Infections among the Mentally Retarded Patients in Lamook Rehabilitation Center of Qaemshahr, Mazandaran Province, 2015,<https://civilica.com/doc/1869907>